



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض شد در بحث ارث دو مسئله مهم عول و تعصیب میان ما و عامه مورد بحث و اختلاف است، آنها عول را صحیح می دانند یعنی اگر ترکیه بر اساس فروض معین در قرآن تقسیم شد ولی وافی به سهام نبود ما قائلیم نقص به افراد خاصی وارد می شود بر اساس روایاتمان نقص بر متقرین به أب یا أبوین وارد می شود ولی عامه نقص را بر همه وارد می کنند، علی ای حال فعلا بحثمان در فقه مقارن می باشد.

دیروز از کتاب انتصار سید مرتضی اعلی الله مقامه مطالبی را در مورد عول و تعصیب نقل کردیم و امروز با توفیق پروردگار متعال مطالبی را از شیخ در خلاف نقل خواهیم کرد.

اگر در حوزه یک مرکزی برای فقه مقارن وجود داشت خیلی مفید و لازم و خوب بود، قبلا عرض کردیم که در زمان آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه ایشان با شیخ محمود شلتوت ارتباط داشت و بالاخره قرار شد در جامع الأزهر مصر یک کرسی درس برای فقه جعفری نیز بنا گذاری شود و قرار شد یک نفر از قم برود و حتی گفتند تمام هزینه آن را پرداخت می کنند، خلاصه فقه مقارن بسیار مهم می باشد.

شیخ در خلاف بحث را اینطور شروع کرده: «مسألة ۸۱: العول عندنا باطل، فكل مسألة تعول علی مذهب المخالفين، فالقول عندنا فيها بخلاف ما قالوه، و به قال ابن عباس، فإنه لم يعول المسائل، و أدخل النقص علی البنات، و بنات الإبن، و الأخوات للأب

و الأم، أو للأب. و به قال مُحَمَّد بن الحنفية، و مُحَمَّد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام، و داود بن علي، و أعالها جميع الفقهاء (جميع فقهاء عامه قائل به عول هستند).

مثال ذلك: زوج و أخت. للزوج النصف، و للأخت النصف بلا خلاف في هذه المسألة.

زوج و أختان، للزوج النصف، و الباقي للأختين. و عندهم تعول إلى سبعة.

معهم (أى مع الزوج والأختان) أم، للزوج النصف، و الباقي للأم، و عندهم تعول إلى ثمانية.

معهم أخ من أم تعول إلى تسعة.

معهم أخوان من أم تعول إلى عشرة.

و يقال لهذه المسألة «أم الفُروخ»، لأنها تعول بالوتر، و تعول بالشفع أيضا.

و مثل مسألة المنبرية، و هي: زوجة و أبوان و بنتان، للزوجة الثمن، و للأبوين السدسان، و الباقي للبنتين (دو خیر در وسائل داریم که مسئله منبریه در آنها بیان شده که بعدا می خوانیم).

و عندهم: للبنتين الثلثان تعول من أربعة و عشرين إلى سبعة و عشرين.

و وافقنا في إدخال الضرر علی البنتين داود بن علي.»^۱

این بخشی از کلام شیخ در خلاف بود که به عرضتان رسید.

خب و اما برای اینکه بفهمیم در مسئله عول عامه چه می گویند و ما چه می گوئیم چند مثال می زنیم تا مطلب روشن شود.

^۱ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۷۳، مسئله ۸۱.

شد منتهی ما طبق اخباری که از اهل بیت علیهم السلام داریم نقص را بر مقربین آب و آبوین وارد می کنیم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین

زنی از دنیا رفته درحالی که شوهر و آبوین و بنت واحده دارد، طبق فروض مقدره در قران زوج ربع یعنی یک چهارم و آبوین هرکدام سدس یعنی یک ششم و بنت واحده نیز نصف یعنی یک دوم می برد، طبق حساب خودمان که قبلا خواندیم در اینجا مخارج ۶ و ۴ وجود دارد، عدد ۶ و ۴ متوافقین هستند و مقسوم علیه مشترک آنها عدد ۲ می باشد لذا یکی را تقسیم بر مقسوم علیه مشترک می کنیم و خارج قسمت را ضرب در دیگری می کنیم، ۴ تقسیم بر ۲ می شود ۲ ضرب در ۶ می شود ۱۲ و ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۴ می شود ۱۲، حالا دو دوازدهم برای پدر و دو دوازدهم برای مادر است و سه دوازدهم نیز برای شوهر می باشد، و پنج دوازدهم باقی مانده برای بنت واحده می باشد و در واقع کسر به بنت واحده وارد شده زیرا باید نصف یعنی شش دوازدهم ببرد اما طبق عقیده ما که از روایاتمان استفاده کرده ایم نقص را به متقرب به آب و آبوین وارد می کنیم.

خب و اما در مثال مذکور عامه علی القول بر عول صورتها را در نظر می گیرند، طبق فروض مقدره در قران دو دوازدهم سهم آب و دو دوازدهم سهم أم و سه دوازدهم سهم شوهر و شش دوازدهم سهم بنت واحده بود، حالا آنها تمام صورتها را با هم جمع می کنند $13 = 6 + 2 + 2 + 3$ و بر همه کسر وارد می کنند و مخرج جدیدی یعنی ۱۳ را به وسعت سهام بدست می آورند و بعد به زوج سه سیزدهم می دهند که ما سه دوازدهم دادیم، به آب دو سیزدهم می دهند که ما دو دوازدهم دادیم، به أم دو سیزدهم می دهند که ما دو دوازدهم دادیم، به بنت شش سیزدهم می دهند که ما پنج دوازدهم دادیم، بنابراین کاری کردند که بر همه نقص وارد